

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: ۷۸۸۶۴ Article Cod: Y۶SHY۱A۱۷۳۴۸ ISSN-P: ۲۵۳۸-۳۷۰۱

آشنایی با مفهوم عملیات ورزشی از دیدگاه قانون و اهمیت بررسی ایمنی تجهیزات ورزشی عمومی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۲/۱۸)

محمد گرجی^۱

شاهرخ صداقتی زاده

چکیده

در جهان کنونی ورزش یکی از راههای مؤثر تربیتی و اخلاقی به ویژه برای جوانان است؛ وسیله ای که روز به روز چهره علمی بیشتری پیدا می کند. از نظر سیاسی نیز پیروزی در میدانهای ورزشی وسیله مفیدی برای تبلیغ و اثبات اعتبار ملی است و به همین جهت بودجه های کلان و نیروهای انسانی فراوان برای پیشرفت ورزش و توفیق در میدانها صرف می شود. این اهمیت روز افزون باعث شده است که اندیشمندان حقوقی متمایل به تأسیس رشته خاصی با عنوان «حقوق ورزشی» شوند که مانند حقوق کار یا تجارت یا کشاورزی به ابعاد گوناگون این رابطه اجتماعی بپردازند. مشاهده حوادث ناشی از عملیات ورزشی، سوانح محیطی، ارتکاب جرائم بر علیه ورزشکاران و مدیریت ها، محکومیت به مجازات های مختلف و بالاخره صدمات و ضایعاتی که بر پیکر جامعه ورزش وارد می گردید نشان می داد که یکی از مهم ترین علل بروز این وقایع فقدان آگاهی های حقوقی جامعه ورزش است و در نهایت اندیشه بهره وری از علم حقوق را بارورتر می نمود. امید که مطالعه مطالب حقوق ورزشی در حفظ سلامتی جسم و روان مدیران ورزشگاه ها، ورزشکاران، مربیان و تمامی افرادی که به نوعی در راستای حوادث ورزشی بر اساس قانون مسئولیت دارند مفید واقع گردد.

واژگان کلیدی: حقوق ورزشی، تجهیزات ورزشی، ایمنی، مسئولیت مدنی ورزشکاران، تقصیر

بخش اول: بررسی و شناخت حقوق ورزشی

قراردادن ورزش در ردیف آموزش و پرورش و آموزش عالی نشان می‌دهد که از دیدگاه قانون اساسی، ورزش یک نهاد فرهنگی برای نیل به هدف تربیت انسان موردنظر نظام است و نه یک نهاد مادی و مجموعه‌ای از حرکات بدنی.

● منابع حقوق: قواعد حقوقی فرآیند نیروها و قدرت‌های مختلفی است که در هر جامعه وجود دارد. به این نیروها اصطلاحاً منابع حقوق گفته می‌شود. نقش هر یک از این نیروها در هر کشور متفاوت است.

● منابع حقوق عبارت‌اند از: قانون، عرف، رویه قضائی، و عقاید علما.

● قانون: از نظر سلسله مراتب به قانون اساسی و قانون عادی تقسیم می‌شود.

■ قانون اساسی: که توسط مجلس خبرگان و با تشریفات ویژه‌ای وضع و یا تغییر پیدا می‌کند، از نظر اعتبار در بالاترین سطح قوانین و مقررات مملکتی قرار دارد و از همین‌رو است که واژه اساسی پس از قانون به کار رفته و به جای واژه (ماده) که در قوانین عادی استعمال شده در قانون اساسی از کلمه (اصل) بهره گرفته‌اند. قانون اساسی مهمترین سند حقوقی کشور است و هیچ قانون، مقررات و یا نهادی در کشور مشروعین نخواهد داشت مگر این که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم مشروعیت خود را از قانون اساسی گرفته باشد.

قانون اساسی متشکل از مجموع قواعد و مقررات کلی است که شکل حکومت و سازمان عالی قوای سه گانه و ارتباط آنها را با یکدیگر و حقوق و آزادی‌های افراد را در مقابل دولت مشخص می‌نماید. به عبارت دیگر قانون اساسی از یک سو حدود آزادی‌های فرد را در برابر عملکرد قدرت و از سوی دیگر حد و مرز اعمال تشکلات حاکم را در برخورد با حوزه فردی رسم می‌نماید.

در قانون اساسی، اصول متعددی به شرایط لازم برای تصویب قانون عادی اختصاص یافته است. به موجب اصل ۵۸ مرجع صالح برای تصویب قانون عادی مجلس شورای اسلامی است. اصل ۹۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد که کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آنرا حداکثر ده‌روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلامی و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آنرا مغایر ببیند برای تجدیدنظر به مجلس بازگرداند، در غیر این صورت مصوبه قابل اجراء است. پس از این مرحله این مصوبه باید توسط رئیس‌جمهور امضاء و برای اجراء در اختیار مسئولان قرار گیرد. (اصل ۱۲۳) حتی پس از امضاء رئیس‌جمهور چنین

مصوبه‌ای قابل اجرا نخواهد بود مگر آن که تشریفات قانونی دیگری را طی بکند. این تشریفات به موجب ماده یک قانون مدنی صدور دستور انتشار مصوبه به روزنامه رسمی است و این روزنامه موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت پس از ابلاغ، مصوبه را منتشر نماید. صرف انتشار نیز کافی به مقصود نیست بلکه برابر ماده ۲ قانون مدنی قوانین ۱۵ روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم‌الاجراء است مگر آن که در خود قانون ترتیب خاصی برای موقع اجراء مقرر شده باشد. از این تاریخ چنین مصوبه‌ای عنوان قانون لازم‌الاجراء را دارا است. نکته مهم این است که اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر این در خود قانون مقررات خاصی نسبت به موضوع اتخاذ شده باشد. (ماده ۴ قانون مدنی)

بخشنامه، تصویب‌نامه و آئین‌نامه: گاهی اوقات قوه مجریه به موجب قانون مکلف به تنظیم آئین‌نامه اجرائی است ولی صلاحیت قوه مجریه در وضع آئین‌نامه‌ها محدود به الزام ناشی از قانون نیست بلکه می‌تواند در غیر این مورد نیز برای حسن اجراء وظایف محوله مقرراتی را تحت عنوان آئین‌نامه، بخشنامه یا تصویب‌نامه وضع و به مورد اجراء نماید و این حق به موجب اصل ۱۳۸ قانون اساسی به دولت داده شده است و برابر همین اصل تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولتی و مصوبات کمیسیون‌های متشکل از وزراء برای اجراء به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را برخلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیئت وزیران بفرستد، اما به‌رحال مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. تفاوت قانون با مصوبان قوه مجریه، نخست این است که قانون بر کلیه مردم و دستگاه‌های حکومتی حاکمیت دارد و دوم، مرجع صالح برای وضع قانون قوه مقننه است سوم، قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجراء تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند (اصل ۱۷۰) در حالی که قضات دادگستری چنین تکلیف یا حقی را نسبت به قوانین ندارند. جایگاه ورزش در قانون اساسی: قانون اساسی همانطوری که گفته شد مهم‌ترین سند حقوقی کشور است و منشأ صلاحیت و مشروعیت تمامی نهادهائی است که در کشور وجود دارد. اهمیت هر نهادی در کشور به تعبیری، بستگی به جایگاه آن در قانون اساسی دارد. اصولاً قانون اساسی به بررسی اساسی‌ترین امور کشور مانند حکومت، زبان، دین رسمی، حقوق ملت، اقتصاد و امور مالی، قوای حاکم، رهبری، ریاست جمهوری می‌پردازد در مورد امور کم‌اهمیت‌تر را به قوانین عادی واگذار می‌کند. اکنون پرسش این

است که آیا از ورزش در قانون اساسی به صراحت نام برده است یا این که مشروعیت خود را به طور غیرمستقیم از قانون اساسی به دست آورد؟ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل دوم مقرر داشته که جمهوری اسلامی نظامی است برپایه ایمان به:

۱. خدای یکتا (لااله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.

۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.

۳- عدل و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.

۴- عدل خدا در خلقت و تشریع.

۵. امانت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی.

بالاخره پس از ذکر اصول دین به شرح فوق به سراغ انسان آمده و مقرر می‌دارد که جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان.

۶. کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا به عبارت دیگر هدف نهایی، تربیت انسانی موحد و مؤمن به وحی، معاد، عدل و امامت است زیرا که اصول دین واقعیت های زوالناپذیرند و آنکه از نظر مقنن اهمیت اساسی داشته همان تحقق بند ۶ یعنی تربیت انسانی کریم، با ارزش‌های والای انسانی، آزاد و مسئول در برابر خداست. بر همین اساس در اصل دوم، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف شده که برای نیل به این اهداف همه امکانات خود را برای امور مذکور به کار برد.

از این جمله، نتایج زیر قابل درک است:

الف. دولت موظف شده و اختیاری در رد یا قبول ندارد.

ب. دولت موظف است همه امکانات خود و نه بخشی از آن را به کار گیرد.

ج. دولت موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم فقط از طریق موارد مذکور در اصل سوم برای نیل به اهداف اقدام کند و به عبارت بهتر، وسایلی که دولت می‌تواند به آنها متوسل شود حصری بوده و منحصر به بندهای شانزده گانه اصل سوم است. در همین اصل و در صدر امور موردنظر مقرر گردیده: (آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی) با دقت در مفاد این بند نتایج ذیل قابل حصول است:

۱. از تربیت بدنی یا ورزش به صراحت یاد شده است و این نشانه جایگاه بسیار مهم ورزش در میان اساسی‌ترین نهادهای کشور است، به عبارت دیگر ورزش به آن درجه اهمیت است که در قانون

اساسی یعنی مهمترین سند حقوقی کشور یا جایگاه اساسی ترین نهادهای کشور قرار گرفته است. ورزش در عرض آموزش و پرورش قرار دارد و نه در بطن و یا طول آن و این بدان معناست که ورزش از نظر اهمیت در نیل به اهداف نظام نقشی مستقل و حیاتی دارد و بخشی از آموزش و پرورش نیست.

۳. قراردادن ورزش در ردیف آموزش و پرورش و آموزش عالی نشان می‌دهد که از دیدگاه قانون اساسی، ورزش یک نهاد فرهنگی برای نیل به هدف تربیت انسان موردنظر نظام است و نه یک نهاد مادی و مجموعه‌ای از حرکات بدنی.

۴. در عین حال ورزش وسیله‌ای برای برومندی است و خود هدف به حساب نمی‌آید.

۵. به رایگان بودن برای همه و در تمام سطوح تأکید دیگری بر آن است که این وسیله حیاتی باید به سهل‌ترین روش برای برومندی نسل به کار گرفته شود.

بخش دوم: مسئولیت‌های قانونی در ورزش

فعالیت‌های ورزش و محیط‌های مربوط به آن هریک به دلایل خاص همواره با وقایع و حوادث گوناگون روبرو بوده اند این حوادث از کم اهمیت ترین جرائم از جمله توهین و ضرب و جرح شروع و تا حادثترین نوع آنها مانند تجاوز به عنف، نقص و عضو و قتل ادامه داشته است. عدم اطلاع از جامعه ورزشی از پیامدهای قانونی تخلفات و جرائم واقع در محیط‌های ورزشی به دلیل فقدان آموزش و نیز موجود نبودن مجموعه‌های مدونی که متضمن نوع جرائم ورزشی و مجازات‌های آنها باشد، بر گسترش کمی و کیفی خلاف کاری‌ها همواره افزوده است. ورزشکاران عموماً بر این تصورند که اعمال خلاف آنها در فعالیت‌های ورزشی نهایتاً تنبیهات انضباطی را در پی خواهد داشت و مرجع تصمیم گیری را کمیسیون‌های قضایی هیأت‌ها، فدراسیون‌ها و یا مدیران، می‌دانند و گستره آگاهی‌های مربیان، داوران، سرپرستان و مدیران ورزشی نیز چه در باب مسئولیت‌های خود و چه در مورد ورزشکاران معمولاً بیش از این نیست. این نقیصه را باید با ارتقاء سطح آگاهی جامعه ورزش از مسئولیت‌هایی که قانون در رابطه با تخلفات آنان در ورزش برای آنها مشخص نموده است، بر طرف ساخت و این مهم را با ارائه درس حقوق ورزش یا مسئولیت‌های قانونی در ورزش باید به انجام رسانید. تا با تکیه بر این آگاهی‌ها از بروز حوادث جبران ناپذیر بر جسم و روح ورزشکار و جامعه ورزش نیز جلوگیری کرد. حقوق ورزش به مجموعه مطالبی اطلاق می‌شود که وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های قانونی همه کسانی را که به نحوی با فعالیت‌های ورزش در گیر هستند روشن می‌سازد. به

عبارت دیگر مطالعه حقوق ورزش، به جامعه ورزش می آموزد که چگونه باید در فعالیت های ورزشی مشارکت نمود تا حوادث ناشی از آن، مسئولیت های قانونی را که نهایتاً به مجازات، محرومیت از حقوق اجتماعی و جبران ضرر و زیان منتهی می شود متوجه آنها نسازد.

بخش سوم: موقعیت و مقام ورزش در قانون اساسی

« قانون اساسی به مجموعه قواعدی اطلاق می شود که مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است »^(۱) و به بیان دیگر مجموعه قواعدی که شکل حکومت، اختیارات قوای مملکت، حقوق افراد جامعه و آزادی آنها و به طور کلی خطوط کلی یک کشور را تعیین و ترسیم می نماید قانون اساسی نام دارد.^(۲) قانون اساسی بالاترین مقام و منزلت را در بین کلیه قواعد و مقررات داراست و سایر قوانین و مقررات عادی باید از آن تبعیت نمایند و مغایرتی نداشته باشند و گرنه وجاهت قانونی نخواهد داشت. بنابراین دقت در تعریف قانون اساسی نشان می دهد که این قانون صرفاً اصول کلی مملکت را مشخص می سازد و امور عادی و کم اهمیت تر را باید در قوانین عادی و آئین نامه ها و بخشنامه ها جستجو نمود و به عبارت دیگر هر امر مهم مملکتی ریشه در قانون اساسی دارد و به همین دلیل است که تربیت بدنی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جایگاه ویژه و والایی برخوردار است و این توجه و عنایت تدوین کنندگان قانون اساسی به تربیت بدنی مبین بینش گسترده و واقع بینانه آنها بوده است. به ویژه که آن نه فقط تصریح به تربیت بدنی در قانون اساسی آشکار است بلکه این تصریح در اولین فصل و در صدر اصول کلی مشهود می باشد و در عرض آموزش و پرورش و مقدم بر آموزش عالی است.

بخش چهارم: مفهوم عملیات ورزشی از دیدگاه حقوق جزا

از مطالعه بند ۳ ماده ۳۲ چنین استنباط می شود که هدف قانون گذار جرم ندانستن حوادث ناشی از عملیات ورزشی است. بنابراین چون مصدر این عملیات ورزشی الزاماً باید ورزشکاران باشند. از نظر حقوقی میزان مهارت، سن، سوابق قهرمانی، انگیزه انجام عملیات، سطح ورزش از نظر محلی یا بین المللی بودن هیچ گونه تأثیری نفیاً یا اثباتاً در مسئولیت ورزشکار ندارد. توجه نماییم که عمل ورزشی

۱ مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۲ مطالعه حقوق ورزش، به جامعه ورزش می آموزد که چگونه باید در فعالیت های ورزشی مشارکت نمود تا حوادث ناشی از آن، مسئولیت های قانونی را که نهایتاً به مجازات، محرومیت از حقوق اجتماعی و جبران ضرر و زیان منتهی می شود متوجه آنها نسازد.

صرف نظر از این که خطا باشد یا صحیح در صورتی مورد قبول قانون ورزشی محسوب می‌شود که مقررات خاص آن ورزش آن حرکت و عمل را ورزشی بشناسد. پرتاب توپ با دست در هندبال و بسکتبال، زدن توپ با دست در والیبال، زدن ضربه با پا در فوتبال، زدن ضربه با دست و پا در کاراته، پرتاب توپ با دست در واترپولو، زدن ضربه با پا در تکواندو، تنه زدن در فوتبال، سد کردن در ورزش‌های دسته جمعی، کف پا گرفتن در فوتبال، اجرای فنون مختلف اعم از مجاز یا ممنوع در کشتی و جودو و همه و همه در زمره عملیات ورزشی محسوب می‌شوند زیرا در مقررات ورزش‌ها صریحاً از آنها نام برده شده و بعضی را مجاز و پاره‌ای را ممنوع اعلام کرده‌اند. ولی این به معنی آن نیست که هر حرکتی که از سوی ورزشکار در حین فعالیت ورزشی سرزند لزوماً عمل ورزشی تلقی گردد و لذا فحاشی کردن، ایراد ضرب به داور یا حریف و امثال آنها هر چند در محدوده فعالیت‌های ورزشی و توسط ورزشکار صورت گرفته ولی به دلیل این که ذاتاً ورزشی محسوب نمی‌شود از ردیف عملیات ورزشی مورد نظر قانون گذار خارج و با عواقب آن مانند یک جرم عادی که در خارج از زمین‌های ورزشی صورت گرفته برخورد و تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرد. پس اگر یک قهرمان شیرجه یک فرد مبتدی را از بالای مرتفع شیرجه به طور ناگهانی به پایین پرتاب کند و نامبرده در نتیجه ترس فوت نماید و به شناگری نیز برخورد کند و وی را بکشد. قهرمان شیرجه به اتهام دو قتل محاکمه خواهد شد و عنوان قهرمانی وی و یا حضور ناجی استخر و نیز داشتن انگیزه شوخی مؤثر در اصل مسئولیت او نخواهد بود. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که فرق میان این گونه اقدامات و عملیات با خطاهای ورزشی از نظر جرم بودن و مجازات مرتکب چیست؟ پاسخ این است که در حرکات غیر ورزشی حادث در میداين ورزشی مانند کتک کاری، فحاشی و غیره از ورزشکار خاطی هیچ گونه استدلالی در استناد به بند ۳ ماده ۳۲ قانون راجع به مجازات‌های اسلامی پذیرفته نمی‌شود. در حالی که در عملیات ورزشی خطا در بسیاری از موارد، ورزشکار مرتکب می‌تواند برای اثبات جرم نبودن عمل خود و یا حداقل عمدی نبودن آن به استناد بند ۳ ماده ۲ اقامه دلیل نماید. پس نتیجه می‌گیریم که عملی از نظر حقوقی، ورزشی محسوب و مشمول بند ۳ ماده ۳۲ می‌شود که اولاً از ناحیه ورزشکار به مفهوم عام انجام گیرد. ثانیاً در حین انجام فعالیت‌های ورزشی باشد. ثالثاً عمل از نظر مقررات خاص آن ورزش در زمره حرکات ورزشی باشد و علاوه بر سه شرط مذکور اصل آن ورزش از سوی سازمان ورزش مجاز اعلام شده باشد. بنابراین مشت زنی حرفه‌ای و یا بعضی از سبک‌های کاراته غیر مجاز اعلام شده، اصولاً ورزش محسوب نمی‌شوند.

بخش پنجم: تأثیر حقوقی مکان در حوادث ورزشی

انتخاب زمین چمن فوتبال برای پرتاب نیزه و چکش صرفاً به خاطر وسیع بودن فضای آن نیست، بلکه این امر که نیزه و چکش پس از برخورد با زمین سخت سرعت بیشتری پیدا نموده و موجب صدمه به افراد دیگر نشود مورد نظر بوده است. بنابراین اگر نیزه یا چکش را در زمین پوشیده از برف و یخ زده پرتاب نماییم و قهراً پس از برخورد با یخ و افزایش سرعت به افراد دیگر برخورد نماید و مشخص گردد که بر اثر سرعت فوق العاده حاصل از برخورد چکش با سطح سخت و لغزنده امکان فرار از صحنه برای مصدوم نبوده است پرتاب کننده مسئول عواقب قانونی امر است و بر حسب نتایج حاصل از رعایت نکردن شرط مکان متناسب مجازات خواهد شد. اکنون با این توضیح می‌توانید مصداق‌های متعددی را در زمینه ورزش‌های مختلف بیان نمایید. در مورد مکان ورزش علاوه بر کیفیت، مسئله کمیت نیز مطرح است مثلاً تشک کشتی و ژیمناستیک اگر علاوه بر کیفیت قابل قبول از مساحت کوچک و نامناسبی برخوردار باشد موجب مسئولیت خواهد بود. نکته دیگر این که در حوادث ناشی از عملیات ورزشی به دلیل رعایت نکردن ضوابط مکان تفاوتی نمی‌کند که ورزش بومی باشد یا بین المللی و لذا اگر کشتی با چوخه روی زمین سنگی صورت گیرد از نظر مسئولیت تفاوتی با کشتی معمولی ندارد و در خصوص ورزش‌های بومی که معیارهای بین المللی در دست نیست قاضی محکمه به مقررات عرفی مراجعه می‌نماید و در عین حال چنانچه پرونده ای در دادگاه مطرح شود که حادثه در نتیجه نامطلوب بودن مکان ورزش صورت گرفته باشد قاضی الزامی ندارد که در چارچوب خشک مقررات مجبوس باشد بلکه او سعی می‌کند با توجه به مقررات، واقعیات، عرف و امکانات رأی صادر نماید.

بخش ششم: حاکمیت ضوابط قانونی بر مقررات ورزشی

در پاره ای موارد، عمل ورزشی با هیچ یک از مقررات مغایرتی ندارد ولی قانون ورزشکار مرتکب را مسئول می‌داند زیرا رعایت احتیاط‌های لازم و متعارف را ننموده و به عبارت دیگر در این فرض عملیات ورزشی کاملاً براساس مقررات مربوطه اجرا ورزشی است. ولی ورزشکار به عمد و یا به دلیل بی‌مبالاتی و بی‌توجهی به اصول احتیاطی موجب بروز حادثه گردیده است. اگر در جریان تمرین فوتبال و سایر رشته‌های ورزشی در حیاط کوچک مدرسه بر اثر برخورد توپ به شیشه کلاس آسیب‌هایی به دانش آموزان برسد مسئولیت متوجه بازیکنی است که شوت کرده است و او نخواهد توانست از مسئولیت خود به استناد این که زدن توپ با پا خطا نیست رهایی یابد. یا مسئولیت آسیب

دیدگی کودک که بر اثر ضربه توپ بازیکنی که برای دروازه بان ارسال کرده است به عهده بازیکن ارسال کننده توپ خواهد بود. در این فرض هم هر چند ارسال توپ برای دروازه بان خطای فوتبال به حساب نمی آید ولی بی توجهی بازیکن به حضور کودک در کنار دروازه بی احتیاطی محسوب می شود هر چند کودک بدون اجازه در آنجا حضور یافته باشد. در مسابقات نیز حتی اگر داور اجازه پرتاب بدهد ولی فرد و یا افرادی در محوطه غیر مجاز ایستاده باشند اجازه داور، رافع مسئولیت پرتاب کننده نیست و علاوه بر ورزشکار خاطی داور نیز پاسخگوی بی توجهی خود می باشد.

بخش هفتم: بررسی قواعد عمومی مسئولیت مدنی و مبنای آن

در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد می گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد. مسئولیت مدنی را به دو شعبه مهم تقسیم کرده اند: قراردادی و خارج از قرارداد. مسئولیت قراردادی در نتیجه اجرا نکردن تعهدی که از عقد ناشی شده است به وجود می آید. مربی شنا که متعهد می شود به کودکی شنا بیاموزد و در نتیجه بی احتیاطی او کودکی مصدوم می شود، مسئولیت قراردادی دارد زیرا تعهد او در مقابل ولی کودکی به منزله قرارداد است. بر عکس در جایی که دو نفر هیچ پیمانی با هم ندارند و یکی از آن دو نفر به عمد یا به خطا به دیگری زیان می رساند، مسئولیت را غیر قراردادی یا خارج از قرارداد می نامند. برای مثال قانون فرمان می دهد که ورزشکار در انجام عملیات ورزشی مقررات را رعایت نماید. حال اگر در نتیجه تخلف این ورزشکار صدمه یا خسارتی به دیگری وارد کرد باید آن را جبران نماید. ریشه این مسئولیت پیمان بین دو ورزشکار نیست بلکه تخلف از تکلیف قانونی است که برای همه وجود دارد. به هر حال مبنای مسئولیت چه قرارداد باشد و چه تکلیف قانونی، جبران خسارت به عهده کسی است که بر اثر قصور او خسارت وارد آمده است.

بند اول: منبع قانونی مسئولیت مدنی

قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ است. به موجب ماده اول این قانون « هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامت یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه ای وارد نماید و موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود خواهد بود. »^(۱)

۱ ماده « یک » قانون مسئولیت مدنی

مرگ یا تشدید نتیجه صدمه و یا وارد شدن صدمه، شرط تحقق محکومیت خودداری کننده از کمک نیست بلکه به صرف این که خودداری یا جلوگیری از کمکی که به اثبات رسید، برای محکومیت کافی خواهد بود .

بند دوم: مسئولیت مدنی در ورزش

قانون گذار با تصویب قانون مسئولیت مدنی، به خصوص در ماده یک مشخص می نماید که هرگاه خسارتی وارد آید و در نتیجه عمد یا بی احتیاطی باشد مرتکب باید خسارت را جبران نماید و اصولاً هیچ ضرری نباید جبران نشده بماند. این قاعده کلی در همه مواردی که ضرر و زیانی به وجود آمده قابل اعمال و تسری است و ورزش نیز از آن مستثنی نمی باشد بنابراین زمانی که در ورزش صدمه یا خسارتی به شخص یا اموال وارد آید باید با استناد به قانون مسئولیت مدنی مشخص شود این ضرر و زیان ناشی از اقدام چه شخصی یا اشخاصی بوده است؟ آیا اقدامی که منتج به ضرر و زیان شده خلاف قانون بوده یا به دستور قانون گذار انجام گردیده است؟ بالاخره در صورت خلاف قانون بودن باید ثابت شود که علت و سبب وقوع ضرر، اقدام مرتکب بوده است. این علت و سبب که گاهی عمدی و زمانی در نتیجه مسامحه است منجر به ورود خسارت شده به اشکال مختلف در ورزش متجلی می شود مانند سستی در آموزش مهارت ها، تسامح در بازدید وسایل ورزشی، بی توجهی در بازرسی و اطمینان در صحت ابزار و تجهیزات، به کار گیری ورزشکاران در شرایط جوی خطرناک و ده ها مورد دیگر.

بخش هشتم: آموزش های ورزشی و پیامدهای قانونی ناشی از تعلل در آن

آموزش به عنوان یکی از مهم ترین ارکان ورزش به خودی خود مورد نظر قانون از جهت تعیین مسئولیت های قانونی نیست. اما هرگاه آموزش نامطلوب و غیر اصولی به نحوی از انحاء موجب بروز حوادث ورزشی تردیدی در مسئولیت کسی که وظیفه خود را در حدود مقررات و عرف انجام نداده است وجود نخواهد داشت. بنابراین ضعف در آموزش در صورتی که همراه با سانحه نباشد قابل طرح در محدوده قوانین جزایی و مدنی نخواهد بود مگر این که استثنائاً مربی به تعهد خود در آموزش عمل نکرده باشد که قانون او را ملزم به اجرای تعهد و یا جبران خسارت خواهان خواهد نمود. برای مثال: مربی شنا در مقابل دریافت مبلغی متعهد به تعلیم در مدت معین شود. ولی پس از دریافت اجرت به نحوی از انجام تعهد خود سرباز زند. اما اولین مطلب در امر آموزش که می تواند به دلیل تحقق ضرر موجب مسئولیت قانونی باشد فقدان صلاحیت مربی یا معلم است، به کار گیری معلمان و یا مربیان فاقد صلاحیت بالقوه یک بی احتیاطی است. اعم از این که این گزینش به انگیزه پرداخت حق التعلیم کمتر، ارتباطات خصوصی و یا سهل انگاری دیگری باشد. شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی اقدام کننده، مرتکب بی احتیاطی شده اند. بنابراین مدیریت ها باید در انتخاب مربی واجد صلاحیت دقت کافی

مبذول دارند. به کارگیری معلم ذخیره دبستان که با ورزش بیگانه است و یا اجبار مربی دو و میدانی به آموزش شیرجه یا ژیمناستیک و غیره. استفاده از یک فرد فاقد صلاحیت است و در صورت بروز حادثه که ناشی از این بی صلاحیتی باشد موجب تقصیر و مسئولیت خواهد بود. چنین معلمانی یا مربیانی که از فقدان صلاحیت خویش مطلع هستند نیز با قبول این وظیفه مسئول پیامدهای قانونی آن خواهند بود. مگر اضطراب خود را به اثبات رسانند. در خصوص آموزش که سبب حادثه گردیده چنین استدلال می‌کنیم که چون آموزش غلط در انجام یک حرکت ورزشی یا استفاده از یک وسیله ورزشی موجب حادثه گردیده و ورزشکار در انجام حرکت جزاجرای آموزش‌های مربی، اقدام دیگری که مبین بی احتیاطی وی باشد انجام نداده است و نتیجه اجرای چنین حرکتی باعث آسیب دیدن ورزشکار یا دیگران شده است. بی احتیاطی مربی محرز و چون سبب حادثه (وقوع ضرر) همین بی احتیاطی می‌باشد آموزش دهنده به موجب ماده فوق‌الذکر مسئول جبران خسارت وارده خواهد بود. در خاتمه این بحث تذکر این نکته ضروری است که مسئولیت ناشی از آموزش منحصر به تعلیم نادرست نیست بلکه خودداری از آموزش مهارت،^۱ و حرکات می‌تواند موجب^۱ مسئولیت شود اعم از این که این خودداری به علت یا آگاهی شخص مربی بوده و یا آگاهی وجود داشته، اما سهل انگاری در تعلیم موجب حادثه شده باشد.

بخش نهم: ایمنی تجهیزات و لوازم عمومی ورزش

یکی از وجوه مسئولیت مدنی مدیریت‌های ورزشی تکالیف آنها در مورد ایمن بودن ابزار و لوازم است و هرگونه تسامحی در انجام این تکالیف چنانچه منجر به سانحه ای شود تقصیر متوجه آنها و موظف به جبران خسارت خواهند شد. منظور از تجهیزات و لوازم عمومی ورزشی ابزارهایی است که ورزشکاران به طور عمودی و نه به صورت خصوصی برای انجام عملیات ورزشی مورد استفاده قرار می‌دهند. مانند ابزار ژیمناستیک، وزنه، دیسک، چکش، تخته شیرجه، توپ و لوازمی از این قبیل.

بند اول: اماکن ورزشی و خطرات آنها

اماکن ورزشی و مسئولیت‌های آن از جنبه قانونی منحصر به فضاهایی نیست که فعالیت ورزشی در آن

۱ اولین مطلب در امر آموزش که می‌تواند به دلیل تحقق ضرر موجب مسئولیت قانونی باشد فقدان صلاحیت مربی یا معلم است. به کارگیری معلمان و یا مربیان فاقد صلاحیت بالقوه یک بی احتیاطی است. اعم از این که این گزینش به انگیزه پرداخت حق‌التعلیم کمتر، ارتباطات خصوصی و یا سهل انگاری دیگری می‌باشد. شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی اقدام کننده، مرتکب بی احتیاطی شده اند.

جریان دارد بلکه کلیه محل‌هایی که به نحوی با فعالیت‌های ورزشی ارتباط دارند، هر چند که فعالیت ورزشی مستقیماً در آن اجرا نگردد در محدوده این بحث قرار می‌گیرند مانند رختکن ورزشکاران یا جایگاه تماشاگران بنابراین نقش سرپرستان، مدیران ورزشگاهها و مسئولان ادارات تربیت بدنی اعم از سازمان تربیت بدنی، آموزش و پرورش و یا باشگاه‌های خصوصی بیشتر خود را نمایان می‌سازد. زیرا رفع معایب فنی یا ساختمانی این اماکن به عهده افراد مذکور است. در عین حال بیان این مطلب بدان معنی نیست که معلمان ورزش و مربیان فاقد هرگونه مسئولیتی در خصوص نواقص و معایب اماکن ورزشی هستند. تسامح و قصور مدیریت‌هایی که مسئولیت مستقیم ایمنی اماکن با آنهاست، از نظر حقوقی هرگز نمی‌توانند تقصیر را از عهده مربی یا معلم ورزشی که علی‌رغم علم به نواقص، به دانش آموزان خود در آن محل‌ها اجازه فعالیت می‌دهد، مرتفع نماید. همان طور که در مباحث پیشین گفته شد مبنای مسئولیت، تقصیر است و همین اندازه که معلم ورزش به دانش آموزان خود اجازه می‌دهد در سالی تمرین کنند که سقف آن به علت نفوذ آب چکه می‌کند، کافی به مقصود است.

بند دوم: توصیه‌های ایمنی برای اماکن ورزشی

مسأله ای که در این نوع ارتباط مورد توجه قانون است، انجام وظیفه در حدود امکانات و بر اساس مقررات و عرف ورزش ما می‌باشد و قصور در این راستا راموجب مسئولیت می‌داند. مثلاً فقدان کف پوش در زمین بسکتبال، بی احتیاطی محسوب نمی‌شود ولی وجود کف پوش نامساعد و مجاله شده که موجب زمین خوردن دانش آموزان هنگام بازی گردد را تقصیر غیر عمدی می‌داند. رعایت توصیه‌های ایمنی ذیل الزامی است:

- فعالیت ورزشی در اماکنی که فاقد شرایط متعارف برای آن فعالیت می‌باشد مجاز نیست.
- واداشتن دانش آموزان به کشتی گرفتن روی زمین بسکتبال و یا انجام حرکات ژیمناستیک بدون وجود تشک‌های مخصوص بی احتیاطی است.
- اجازه فعالیت ورزشی به دانش آموزان در اماکنی که محل تردد وسائط نقلیه است خلاف اصول احتیاطی است حتی اگر این عمل در محوطه مدرسه باشد.
- در اماکنی که خطر وقوع حادثه قطعاً قابل پیش بینی است نباید اجازه فعالیت داده شود مانند زمین بسکتبالی که از عرض یا طول آن سیم برقی به صورت معلق عبور داده شده باشد.
- در صورتی که در اطراف زمین‌های ورزشی و در فاصله نزدیک، شرایط خطرناک وجود دارد، نسبت به رفع آنها اقدام شود. برای مثال: وجود نرده‌های آهنی که دارای زائده‌های برنده و تیز باشد از

شرایط خطرناک محسوب می‌گردد و به همین ترتیب پایه‌های حلقه بسکتبال که در نزدیک زمین و بدون پوشش حفاظتی باشد و یا قرار داشتن محل آتش زدن کاغذهای باطله و زباله‌های مدرسه در کنار زمین ورزش.

- تأسیسات برق ورزشگاهها باید کاملاً حفاظت شده و از دسترس دانش آموزان به دور باشد.
- در صورتی که فعالیت ورزشی به نحوی با جریان برق مرتبط باشد، استفاده از متخصصان مربوطه در انجام اقدامات پیشگیری کاملاً ضروری است.

* بی احتیاطی در به کار گیری دستگاه تصفیه آب در استخرها می‌تواند موجب فاجعه شود.

- لغزندگی کف دوش ها، حاشیه کنار استخرها و همچنین سقف سالن‌هایی که به دلیل نفوذ آب و یا فرسودگی امکان ریزش دارد، شرایط خطرناک تلقی می‌شود. اجازه فعالیت در چنین شرایطی بی احتیاطی است.

- اجازه فعالیت ورزشی به دانش آموزان در اماکنی که محل تردد وسائط نقلیه است خلاف اصول احتیاطی است حتی اگر این عمل در محوطه مدرسه باشد.

- در اماکنی که فعالیت ورزشی در آن برای دیگران خطرناک است، ممنوعیت باید اعمال شود. بنابراین اگر به دانش آموزان اجازه بازی فوتبال در حیاط مدرسه ای که پنجره کلاس‌های آن در تیررس توپ قرار دارد، داده شده باشد بی احتیاطی صورت گرفته است، زیرا امکان برخورد توپ با شیشه پنجره و مصدوم شدن دانش آموزان کاملاً قابل پیش بینی می‌باشد.

- در شرایطی که هوا طوفانی و همراه با رعد و برق است اجازه ادامه بازی از سوی مربی یا داور خطای مطلق است. اگر در چنین شرایطی بر اثر برخورد صاعقه با زمین بازیکن فوت کند، مربی مقصر است.

* از اجرای مسابقات و تمرینات در هوای بسیار گرم یا بسیار سرد که موجب گرمزدگی یا سرمزدگی منجر به مرگ می‌شود، خودداری نمایید.

مسئولیت مراقبت از ورزشکاران در خارج از زمین‌های ورزش مهم ترین مصداق مسئولیت نگه داری از ورزشکاران در خارج از زمین های، ورزشی، اردوها، بازدیدها، مسافرت‌ها و مواردی از این قبیل است.

توصیه‌های ذیل در راستای این بایدوظیفه مؤکدا باید مورد توجه باشد.

- بدون اجازه کتبی والدین هرگز ورزشکاران صغیر را به مسافرت یا اردو یا بازدید از محل‌های مورد نظر نبرید.

- در مسافرت‌ها و اردوها از لحظه حرکت تا لحظه برگشت و تحویل طفل به خانواده اش تمامی مسئولیت مراقبت بر حسب مورد به عهده مربی یا سرپرست است.
- در طول جاده‌ها در خصوص تغذیه اطفال ورزشکار صغیر و نیز سوار و پیاده شدن آنها دقت بیشتری شود
- هرگز به تنهایی وظیفه مربیگری و سرپرستی را در اردوها و مسافرت‌ها به طور یکجا نپذیرد. این پذیرش از دیدگاه حقوقی یک بی احتیاطی است.
- برای اسکان ورزشکاران در اتاق‌ها تناسب سنی و موارد مشابه به دقت مورد توجه قرار گیرد.
- در مسابقات قهرمانی بزرگسالان یا اردوها اعزام یک یا دو نوجوان با آنان به انگیزه کسب تجربه یک اشتباه فاحش است. برای مثال اسکان یک نوجوان ۱۴ ساله با چند بزرگسال مجرد یا متأهل در یک فضا، غیر عقلانی است.
- در مسافرت‌ها هرگز به ورزشکاران خردسال به تنهایی اجازه خروج از اردو را ندهید حتی اگر اقوام وی در آن شهرستان ساکن باشند. چنین اجازه ای باید بنا به تشخیص سرپرست و با رعایت همه جوانب کار باشد.
- گردش‌ها، بازدیدها، تماشای مسابقات باید به طور دسته جمعی باشد از صدور اجازه باقی ماندن یک یا دو نفر ورزشکار خردسال در اردو بدون سرپرست خودداری شود.
- از ظاهر کردن علاقه خاص خود به یک ورزشکار در حضور سایرین قویاً خودداری کنید. مربی باید خوددار و صبور بوده و عقلش بر احساساتش غالب باشد.
- از انفرادی یکی از ورزشکاران به اردو به خصوص اگر طفل باشد برای انجام یک کار و یا آوردن وسیله بپرهیزد.
- وظیفه مراقبت در مسافرت‌ها و اردوها منحصر به روز نیست، در تمام لحظات این وظیفه مهم متوجه مربی و سرپرست است. به هر نحو ممکن باید این مهم انجام شود.

بند سوم: مسئولیت داوران بر اساس مقررات ورزشی

داوران وظایفی از قبیل پیشگیری از وقوع حوادث، جلوگیری از تشدید نتایج حوادثی که اتفاق افتاده است را نیز به عهده دارند.

وظایفی که در رابطه با پیشگیری حوادث به عهده داوران قرار داده شده عبارتند از:

بازدید از وسایل شخصی ورزشکاران و جلوگیری از استفاده از آنها در صورت مجاز نبودن

اخراج بازیکنانی که مرتکب عملیات خطرناک و یا خلاف اخلاق ورزشی می‌شوند لغو بازی‌ها در صورت نامساعد بودن شرایط جوی یا ناقص بودن وسایل ورزشی و امثال آن به منظور مستند بودن وظایف فوق مواردی از مقررات به شرح ذیل اشاره می‌کنیم:

الف داوران اساساً مسئول برخوردها و رفتار بازیکنان از لحظه ورود تا ترک زمین می‌باشند.

ب داوران باید بازی را طبق مقررات اداره نمایند.

ج حالت‌های غیر ورزشی ممکن است در حین یک مسابقه بسکتبال رخ دهد، به محض مشاهده اولیه آثار آن دهد، به محض مشاهده اولیه آثار آن بازی باید توسط داوران متوقف و چنانچه نیاز باشد از مأمورین انتظامی جهت حفظ آرامش استفاده نمایند.

د اگر داور متوجه شد که بازیکنی شیئی را با خود حمل می‌نماید که در قانون اجازه داده نشده است و ممکن است خطری برای بازیکنان دیگر ایجاد نماید. باید دستور دهد که بازیکن شیء را از خود دور کند. اگر نامبرده آن شیء را از خود دور نساخت و دستور را اجراء نکرد حق ادامه مسابقه را ندارد.

ه داوران باید قبل از مسابقه زمین بازی را مورد بازدید قرار دهند تا مطمئن شوند همه موارد بر طبق قانون است و اگر مشاهده کردند که زمین برای بازیکنان خطر ایجاد می‌کند آن بازی را لغو نمایند. هرگونه قصوری در اجرای مقررات ورزشی از سوی داوران مسئولیت اداری یا صنفی برای آنها به همراه خواهد داشت.

بخش دهم: اقدامات حقوقی مدیران ورزشی پس از وقوع حادثه

بند اول: گزارش سانحه

همه آموزش‌ها، تلاش‌ها و اقدامات احتیاطی، هدف جلوگیری از وقوع سانحه را مورد نظر قرار می‌دهد. با این همه ورزش پدیده‌ای است که حادثه علی‌رغم رعایت همه اصول ایمنی از متن آن به وجود می‌آید و هر چند می‌توان از نظر کمی و کیفی آن را کاهش داد ولی هرگز نمی‌توان مدعی ورزش بدون حادثه بود. پس واقعیت آن است که حادثه جزء لاینفک فعالیت‌های ورزشی است و بحث این بخش چگونگی برخورد حقوقی مربیان و سرپرستان با حادثه‌ای است که واقع شده و اینان باید در حدود صلاحیت خود گزارش کاملی از واقعه تهیه نمایند، تا در مراحل بعدی بتوان به منظور دفاع در مقابل شکایات و اعتراضات در مراجع قضایی، به عنوان دلیل مورد استناد قرار داد. بنابراین هرچه محتوی گزارش دقیق، صحیح و عاری از هر مطلب خلاف حقیقت باشد، قطعاً هنگام دادرسی در دادگاه می‌تواند معین قرار گیرد هر چند که متن آن مؤید بی احتیاطی مربی یا مدیر مربوطه باشد.

زیرا هنگام دادرسی چون حقایق کشف خواهد شد چنانچه مفاد گزارش خلاف حقیقت باشد مشکلات جدید و بیشتری به وجود خواهد آمد. تهیه چنین گزارش‌هایی نباید منحصر به مواردی باشد که زیان دیده از جرم یا شبه جرم قصد پیگیری قانون را داشته باشد. بلکه صرف نظر از هر تمایلی از سوی مصدوم یا خسارت دیده یا سایر اشخاص که به نحوی در حادثه دخیل هستند گزارش باید تهیه و نسخه ای از آن به مبادی بالاتر ارسال و نسخه دیگر در بایگانی خصوصی ضبط گردد، زیرا اولاً تمایل مجدد زیان دیده به اعلام شکایت نمی‌تواند مطلقاً مردود باشد و در این صورت چنانچه گزارش لحظه وقوع، موجود نباشد، اثبات بیگناهی بسیار مشکل خواهد بود، ثانیاً وجود چنین گزارش‌هایی مورد توجه قرار گرفته و به استناد آنها اقدامات بازدارنده، اعمال می‌شود. به منظور یکنواخت بودن مفاد این گونه گزارش‌ها، فرمی تهیه گردیده که اصول و مشخصات مورد نیاز مراجع قضایی در آن منظور شده است.

بند دوم: استشهاد^۱ از شهود حادثه

یکی از مهم ترین دلایل اثبات حق شهادت است. شهادت یا گواهی عبارت از بیان اطلاعاتی است که شخص به طور مستقیم از واقعه ای دارد. مقصود از قید « به طور مستقیم » این است که شهادت در صورتی پذیرفته است که گواه ناظر واقعه مورد نزاع باشد و آنچه را که خود دریافته است بگوید و اطلاعات او متکی بر گواهی دیگری و شایع بین مردم نباشد. بنابراین اعتبار شهادت شهود در بسیاری موارد از نظر حقوقی بیشتر از تهیه گزارشی است که مربی یا معلم مسئول تنظیم می‌نماید. در تهیه استشهاد از شهود به نکات ذیل توجه شود:

- ۱ از اشخاص حاضر در صحنه وقوع حادثه صرف نظر از سن آنها کسب شهادت ننمایید.
- ۲ اظهارات مصدوم را در صورتی که قادر به بیان است یادداشت کنید و به امضای او برسانید و در صورتی که خود قدرت نوشتن دارد، شایسته است خود شخصاً بنویسد و امضاء کند.
- ۳ در شهادت شهود باید زمان دقیق حادثه، علت وقوع، جریان واقعه و هر گونه اطلاع دیگری که گواه در زمینه سانحه دارد، نوشته شود. مشخصات کامل شاهد ضروری است.
- ۴ نگه داری نسخه دوم استشهاد نزد تهیه کننده ضرورت دارد.

۱ استشهادیه، یک فرم کتبی است که به موجب آن، شاهد، احضارات خود را در آن قید کرده و برای تضمین اعتبار، آن را امضا می‌کند. شهادت شهود، با استشهادیه برابر نبوده و از جهاتی باهم تفاوت دارند. استشهادیه می‌تواند، در صدور حکم توسط قاضی موثر باشد. استشهادیه محلی از مهم ترین انواع استشهادیه می‌باشند.

نتیجه گیری

نهایتاً و در جمع بندی و نتیجه گیری این مقاله و در رابطه با عملیات ورزشی باید به موارد زیر توجه داشت:

- ۱- اشکالات و معایب هر چند جزئی باشد اگر وقوع سانحه قابل پیش بینی است نادیده گرفته نشود.
- ۲- بی توجهی به سقف ورزشگاه، حمام، توالت ها که بر اثر رطوبت جدا شده در هر لحظه ممکن است بر اثر ریزش ضایعه جبران ناپذیر ایجاد نماید تقصیر محسوب می شود.
- ۳- اگر ورزشگاه مجاور منازل و یا اماکن دیگران است استفاده از تورهای فلزی برای جلوگیری از اصابت توپ یک الزام حقوقی است.
- ۴- اطاق تأسیسات ورزشگاه شامل برق، دستگاههای حرارتی و برودتی باید همیشه قفل بوده و کلید آن منحصرأ در اختیار مأمور فنی باشد.
- ۵- از قرار دادن وسایل خطرناک مانند دروازه هندبال، جعبه فلزی مخصوص نگهداری توپ، بخاری گازی، نردبان های فلزی و امثال آن در کنار زمین های ورزشی به شدت جلوگیری نماید.
- ۶- کلید و پریش های ورزشگاه باید در محل محفوظ قرار داشته باشد به نحوی که امکان دستیابی اشخاص متفرقه به آن ممکن نباشد.
- ۷- نصب تابلوهای هشدار دهنده یا نوشتن هشدارها در محل مناسب از اقدامات احتیاطی و پیشگیرانه است.
- ۸- اطلاع از محل نزدیک ترین مراکز درمانی به ورزشگاه از تدابیر یک مدیر معقول است.
- ۹- درج تلفن های ضروری مانند اورژانس، پلیس، آتش نشانی، برق، گاز، و آب در محل قابل رؤیت مؤید تدبیر مدیر ورزشگاه است.
- ۱۰- ایجاد ارتباط نزدیک با مسئولان پلیس محل، بیمارستان ها، اورژانس و غیره نشان دهنده شایستگی و آینده نگر بودن مدیر است.
- ۱۱- تردد اشخاص مشکوک در ورزشگاه به ویژه در زمان فعالیت ورزشی دانش آموزان باید به دقت تحت نظر قرار گیرد.
- ۱۲- در مسابقات حساس که حتی احتمال ضعیفی برای درگیری وجود داشته باشد ورزشگاه باید به طور کامل عاری از مصالح ساختمانی مانند: آجر، سنگ و غیره باشد.
- ۱۳- موانع فیزیکی برای جلوگیری از ورود تماشاگران به زمین های ورزشی از تدابیر الزامی است.

۱۴- در صورت وقوع حادثه گزارش کاملی از آن تهیه و در صورت لزوم در همان زمان به امضای شهود برسانید.

خلاصه این که مدیر ورزشگاه در محدوده مدیریتی خود وظیفه دارد که از وقوع حوادث با اتخاذ تدابیر لازم جلوگیری نماید. در چنین صورتی و حتی به رغم تحقق هر حادثه هیچگونه مسئولیتی نخواهد داشت و در غیر این صورت اگر در وقوع حادثه مرتکب بی احتیاطی، بی مبالائی، عدم رعایت مقررات و یا غفلت شده باشد بر حسب نتیجه حاصله مسئولیت خواهد داشت.

منابع و مآخذ

۱. دکتر آقائی نیا، حسین. حقوق ورزشی چاپ یازدهم ۱۳۸۹ (نشر میزان)
۲. دریایی، امیرحسین. قوانین بین المللی شنا
۳. دکتر ره پیک، حسن. مقدمه علم حقوق چاپ دوم ۱۳۸۸ (انتشارات خرسندی)
۴. دבורا. آ. وست، چارلز. آ. بوچر. مبانی تربیت بدنی، ترجمه احمد آزاد.
۵. سوداگر، حسن. آخرین مقررات بین المللی کشتی
۶. دکتر علی آبادی، عبدالحسین حقوق جنائی. ج ۱ (دانشگاه تهران)
۷. دکتر قاضی، ابوالفضل. بایسته های حقوق اساسی چاپ سی و سوم ۱۳۸۸ (نشر میزان)
۸. دکتر کاتوزیان، ناصر. مقدمه علم حقوق. چاپ شصت و پنجم ۱۳۹۶ (شرکت انتشار)
۹. دکتر کاتوزیان، ناصر. حقوق مدنی، الزام های خارج از قرارداد. چاپ چهارم ۱۳۸۴ (دانشگاه تهران)
۱۰. محمدی، ابوالحسن. قواعد فقه ج ۱
۱۱. دکتر مدنی، سید جلال الدین. حقوق اساسی و نهادهای سیاسی
۱۲. نصیری، داوود. قوانین و مقررات داوری فوتبال
۱۳. نوربخش، حسن. جعفریان، نصرالله قوانین بین المللی بسکتبال
۱۴. والتر. تی جامپیون جونیور. مبانی حقوق ورزشها. ترجمه دکتر حسین آقائی نیا، چاپ چهارم ۱۳۸۶ (دادگستر)

